



University of Tehran Press

Environmental Degradation as a Separate International Crime

Parisa Esteki¹ | Mohsen Abdollahi^{2✉} | Alireza Arashpuor³

1. Ph.D.in international law, faculty of law, Islamic Azad University Najafabad, Esfahan, Iran.
Email: Drparisaesteki3320@yahoo.com
2. Corresponding Author; Associate Prof., Faculty of law, Islamic Azad University Najafabad, Esfahan, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: Mo_abdollahi@sbu.ac.ir
3. Associate Prof., Faculty of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
Email: a.arashpuor@ase.ui.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Global environmental crimes could destroy human life; thus, they can be considered as major international crime. In the years since World War II, close attention has been paid to the importance of the environment as well as its health. In various treaties, support and protection of environment against war, chemical and nuclear weapons, as well as other crimes were emphasized. The author of this article believes that in order to prevent environmental crimes, they should be recognized as criminal offences and the perpetrators be punished. Only then they can be classified as separate international crime. Moreover, recent developments in the International Criminal Court's approach to environmental crimes make it possible for the Court to recognize them as a separate crime and define its policy in its Statute. As a result, this article seeks to explain the possibility of identifying crimes against the environment as separate crimes.
Pages: 1583-1605	
Received: 2020/08/22	
Received in revised form: 2020/12/01	
Accepted: 2021/04/20	
Published online: 2023/09/23	
Keywords: <i>destruction, crime, separate crime, international criminal court, environment.</i>	
How To Cite	Esteki, Parisa; Abdollahi, Mohsen; Arashpuor, Alireza (2023). Environmental Degradation as a Separate International Crime. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (3), 1583-1605. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2021.308042.2519
DOI	10.22059/jplsqt.2021.308042.2519
Publisher	University of Tehran Press.





انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۱۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۲

Homepage: <http://jplsqt.ac.ir>

تخریب محیط زیست به مثابه جنایت مستقل بین المللی

پریسا استکی^۱ | محسن عبداللهی^۲ | علیرضا آرش پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، اصفهان، ایران. رایانامه: Drparisaesteki3320@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

رایانامه: Mo_abdollahi@sbu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: a.arashpour@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۶۰۵-۱۵۸۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: تخریب، جرم، جنایت مستقل، دیوان بین المللی کیفری، محیط زیست.</p>	<p>جرائم زیست محیطی در سطح جهانی می توانند زندگی بشری را به نابودی بکشانند، به همین دلیل می توانند در ردیف جنایات مهم بین المللی قرار گیرند. در سال های بعد از جنگ جهانی دوم انسان ها به اهمیت محیط زیست و همچنین سلامت آن توجه بسیار کردند و در معاهدات مختلفی به حفاظت و حمایت از آن در برابر جنگ و سلاح های شیمیایی و هسته ای و همچنین در برابر جنایت های مختلف تأکید بسیار داشتند. اصولاً برای پیشگیری از جرائم زیست محیطی، این گونه اقدامات می بایست جزو جرائم کیفری شناخته شده و برای مرتکبان جرائم زیست محیطی مجازات تعریف شود؛ تنها در این صورت است که می توان جنایات زیست محیطی را در رده جنایات مستقل بین المللی قرار داد. در تحولات سال های اخیر در دیدگاه دیوان کیفری بین المللی نسبت به جنایات زیست محیطی امید می رود که این دیوان بین المللی بتواند این جنایات را به عنوان یک جنایت مستقل شناسایی و در اساسنامه برای آن خطامشی تعریف کند. از این روست که در این مقاله با استناد به روش توصیفی تحلیلی قصد تبیین امکان شناسایی جنایت علیه محیط زیست به عنوان یک جنایت مستقل را داریم.</p>
استناد	استکی، پریسا؛ عبداللهی، محسن؛ آرش پور، علیرضا (۱۴۰۲). تخریب محیط زیست به مثابه جنایت مستقل بین المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۳)، ۱۶۰۵-۱۵۸۳. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2021.308042.2519
DOI	10.22059/jplsqt.2021.308042.2519
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در سراسر جهان اقدام‌های جنایت‌کارانه بسیاری علیه محیط‌زیست و تمامیت آن رخ می‌دهد که در برخی مواقع این جنایات در عرصه بین‌المللی بدون پاسخ می‌ماند و این مسئله دارای تبعاتی برای طبیعت است که موجب نابودی بسیاری از جانداران و منابع طبیعی می‌شود. جنایات زیست‌محیطی با وجود شناسایی در نگاه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان سبز، هنوز از حمایت کیفری مطلوبی در سطح جهان برخوردار نیست و به‌تازگی مراجع کیفری بین‌المللی برای شناسایی و مجازات مرتکبان جنایت علیه محیط‌زیست اعلام آمادگی کرده‌اند. جرائم زیست‌محیطی در قالب جرائم مختلفی از جمله جرائم ضد بشری، جنایت ژنو ساید نیز قابل شناسایی است، اما بهترین گزینه برای جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی، تبیین آن به‌عنوان یک جنایت مستقل است. از این‌رو دیدگاه‌های جدید درباره جرائم زیست‌محیطی به‌سوی استقلال این جنایت سوق دارد و اینکه بتوان این جنایت را از دیگر جنایات تفکیک و از طریق مرجع کیفری بین‌المللی مشخصی نیز به مجازات مرتکبان جنایت زیست‌محیطی اقدام کرد. اقدام علیه محیط‌زیست نمود گسترده‌ای در تمام جهان دارد که از جانب اشخاص مختلف و شرکت‌های بزرگ در برخی مواقع رخ می‌دهد، اما این جرم به دلیل اینکه جرمی مستقیم علیه انسان به‌نظر نمی‌آید، دارای سیستم درست تعقیب کیفری نیست، درحالی‌که آثار زیست‌محیطی بیشترین تأثیر را بر زندگی انسان می‌گذارند. از این‌رو مرجع کیفری بین‌المللی می‌بایست جرائم زیست‌محیطی در زمره جنایات مستقل قرار دهد و به تعریف کم و کیف این‌گونه جنایات علیه طبیعت و کم‌وزیاد مجازات مرتکبان این جنایت بپردازد. برای نشان دادن اهمیت یک دیدگاه آگاهانه از نظر زیست‌محیطی برای درک کامل از الگوهای معاصر و آینده جرم و جنایت، باید طیف وسیعی از راه‌هایی را که در آن آسیب‌های زیست‌محیطی دخیل است به‌عنوان یک عامل علی مستقیم یا غیرمستقیم در جرم در نظر بگیریم (وایت، ۱۳۹۵: ۱۴۱). یکی از راه‌هایی که آسیب محیط‌زیست به افزایش جرم و جنایت کمک می‌کند، عدم جرم‌انگاری شیوه‌های مضر برای محیط‌زیست است. این شیوه‌ها محیط و گونه‌ها، آلودگی هوا، جنگل‌زدایی، کاهش گونه‌ها و سوءاستفاده از حیوانات و آلودگی آب، انجام آزمایش‌ها در دریاها و از بین رفتن منابع است. نکته اینجاست که بیشتر اینها در سال‌های اخیر موضوع تلاش‌های قانونگذاری بوده است (Carrabine et al., 2009: 22). سؤال اصلی پیش روی مقاله حاضر این است که اقدام علیه محیط‌زیست با چه رویکردی می‌تواند به‌مثابه جنایت مستقل بین‌المللی باشد؟ در اصل ما در تبیین جنایات زیست‌محیطی به‌دنبال آگاهی یافتن از ذات جرائم زیست‌محیطی بین‌المللی و امکان تعقیب آن به‌عنوان یک جرم مستقل از طریق مراجع کیفری بین‌المللی هستیم. فرضیه مقاله این است که جنایات و اقدامات علیه محیط‌زیست بنابر سازمان یافته بودن برخی از

این گونه اقدامات و بر اساس رویکرد حمایتی مراجع کیفری بین المللی از محیط زیست و دیدگاه پیشگیرانه اعضای جامعه بین الملل، به عنوان یک جنایت مستقل در نظر گرفته می شود. در پی این موضوع ما به دنبال اثبات استقلال جنایات زیست محیطی در رویه دیوان کیفری بین المللی هستیم.

۲. جایگاه اقدام علیه محیط زیست در وضعیت کنونی در حقوق بین الملل

مطالعه تاریخ حقوق محیط زیست گویای این واقعیت است که حقوق بین الملل محیط زیست طی قرن اخیر برای جامعه بین المللی به گونه ای اهمیت یافته که در چهار دهه ظهور، توسعه و تکوین یافته است. با شناسایی تدریجی قواعد زیست محیطی به سرعت ثابت شد که ضمانت اجرای پیش بینی شده مدنی برای حمایت از قواعد مذکور کفایت نمی کند و به کیفری کردن پاره ای از نقض های شدید حقوق بین الملل محیط زیست نیاز مبرم وجود دارد (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۲). در حقوق بین الملل کنونی می توان از تعهداتی سخن گفت که تمام بازیگران بین المللی در رعایت آن سود مشترک داشته باشند. از این منظر در زمینه هایی از حقوق بین الملل که با منافع جمعی بشر سروکار دارند، پیشرفت هایی حاصل شده است. این پیشرفت ها ناظر بر تعیین تعهدات فراسرزمینی دولت ها، تعهد به همکاری، تصمیم مشترک، ایجاد ساختارها و نهادهای جدید به منظور تحقق هدفها و تعهدات مورد توافق اند (عرب اسدی و رنجبریان، ۱۳۹۷: ۴۰۱).

همان گونه که در برخی از مقررات بین المللی نیز بیان شده است، هر کشوری در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست خود مسئول است؛ اما حفاظت از محیط زیست به طور حتم نمی تواند محدود به درون سرزمین ها و مرزها باشد و جلوگیری از آلودگی محیط زیست و حل مشکلات مربوط به آن نیازمند همکاری مشترک ملت ها و دولت های مختلف است. آنگاه که نتایج زیانبار اقدامات یک دولت بر محیط زیست از مرزهای ملی و حتی دولت های منطقه نیز فراتر می رود و به جایی می رسد که تمامی دولت های جهان و جامعه بین المللی را به دلیل تأثیر گذاری بر محیط زیست جهانی دربر می گیرد، در این مرحله نگرانی از آسیب های زیست محیطی با منافع یک یا چند دولت ارتباط ندارد. در اینجا است که مشخص می شود حفاظت از محیط زیست فراتر از صلاحیت یک دولت و نیازمند همکاری گسترده جهانی است (حبیبی، ۱۳۷۶: ۱۰۱). این ویژگی سبب شد که پروفیسور لوئیس هنکین موضوع «محیط زیست مشترک» را مطرح کند (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۰۴) که در پاره ای از مقررات بین المللی از آن به نام «میراث مشترک بشریت»^۱ یاد شده است.

۱. مفهوم میراث مشترک بشریت، به نماینده کشور مالت، آروید پارادو، منتسب است که در سال ۱۹۶۷ پیشنهاد

۱.۲. اقدامات جنایت‌کارانه علیه محیط‌زیست طبق اسناد موجود بین‌المللی

توجه به محیط‌زیست در دهه‌های اخیر نمود زیادی پیدا کرده که این مسئله در اسناد بین‌المللی بازتاب فراوانی یافته است. دهه ۱۹۷۰ شاهد ظهور تدریجی دو قاعده عرفی یعنی منع ایراد خسارت بی‌جهت یا عامدانه و بدون ضرورت نظامی موجه و نیز ممنوعیت ایراد خسارات شدید، گسترده و طولانی‌مدت به محیط‌زیست بوده است (دانش ناری، ۱۳۹۵: ۲۰۷).

از بین اسناد مذکور کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا هرگونه استفاده خصمانه دیگر از فن‌های تغییردهنده محیط‌زیست، موسوم به «نمود ۱»، اولین سند تخصصی ناظر بر حفظ محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه است که ممنوعیت را مشروط به استفاده از این فنون برای اهداف نظامی یا خصمانه، ورود خسارت به یک دولت عضو و بر جایگذاری اثری گسترده، پایدار یا شدید می‌داند. اجلاس‌های بازنگری ۱۹۸۲ و ۱۹۹۲ حاکی از قوت و استحکام کنوانسیون است، هرچند که مواردی مانند آستانه تخریب و نحوه حل اختلاف نیازمند بازنگری هستند (کیان ارثی، ۱۳۸۸: ۳). جرائم علیه محیط‌زیست در ماده ۸ به‌واقع همان مؤلفه‌های مندرج در کنوانسیون نمود و مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل هستند، با این تفاوت که شرط فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار را بدان افزوده‌اند که این خود، بازگشت به مقررات کد جنایات علیه صلح و امنیت بشری^۲ است و در ثانی به عنصر علم موجود، صراحت و شفافیت بیشتری داده است. تدوین‌کنندگان اساسنامه رم ۱۹۹۸ با اقتباس از این اسناد، مؤلفه‌های مزبور را در مورد جنایات جنگی صورت‌بندی کرده و اقدامات علیه محیط‌زیست را به‌عنوان جنایات جنگی تلقی کرده‌اند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۵۱). تخریب عامدانه محیط‌زیست ممکن است آثار فاجعه‌باری را نه‌تنها بر جمعیت انسانی، بلکه در ابعاد زیست‌بومی (اکولوژیک-م) نیز داشته باشد. برای مثال سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی همان اندازه که قدرت بالقوه برای کشتن هزاران نفر در یک حمله را دارند، آثار و عوارضی دارند که در برخی موارد تا همیشه در محیط‌زیست باقی می‌مانند.

کرد که حقوق دریاها باید مبتنی بر اصل میراث مشترک بشریت باشد، نه اصل آزادی دریاها. در نهایت ماده ۱۳۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اعماق دریا و اقیانوس، خارج از محدوده صلاحیت ملی و منابع آن را میراث مشترک بشریت اعلام کرد. در سال ۱۹۷۹ موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت دولت‌ها در ماه و دیگر اجرام آسمانی، ماه و منابع آن را میراث مشترک بشریت شناخت. در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد شد جنوبگان نیز به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناسایی شود.

1. ENMOD

3. <http://www.qombar.ir/article/Draft Code of Crimes against Peace and Security of Mankind>

آثار ویرانگر جنگ افروزی به سبب محیط زیست ممکن است تا مدت ها پس از آنکه مخاصمه پایان یافت، ادامه داشته باشد؛ از جمله به خطر انداختن و نابود کردن زندگی و شیوه زیست انسانی که به این محیط زیست طبیعی متکی بودند. بخش عمده فناوری مرتبط با چنین تاکتیک هایی محصول پژوهش های شرکت های خصوصی اند که در اغلب اوقات توسط ارتش ها تأسیس می شوند. برای حمایت از محیط زیست مفاهیمی مانند توسعه پایدار با تغییرات آب و هوایی در چند دهه های گذشته مطرح شد، اما خیلی زود مشخص گردید که صرف تعریف چنین مفاهیمی برای حفاظت از محیط زیست کافی نیست. به همین دلیل کشورها در معاهدات مختلفی اقدام به جرم انگاری اعمالی کردند که محیط زیست را به خطر می اندازند. با آغاز سده بیست و یکم روند توجه به جنایات محیط زیستی شدت بیشتری نیز یافته است. اسناد بین المللی به جنایات محیطی زیستی بیش از پیش توجه کردند. به طور مثال تخریب لایه ازن یا تخلیه مواد خطرناک در دریاها امروزه به عنوان جرائمی بسیار شدید شناسایی شده اند. در راستای این مسئله برخی کشورها بدون توجه به صلاحیت جهانی، به جرم انگاری برخی از نقض های شدید محیط زیستی تحت عنوان «جنایت شدید دارای اهمیت بین المللی» پرداخته اند؛ به همین دلیل به تعدادی از این کنوانسیون ها پرداخته شده است (محمد علیخانی، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های حیوانی و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی مصوب ۱۹۷۳^۱ که برای تضمین بقای آن دسته از گونه های گیاهی و جانوری که در معرض انقراض هستند تصویب شده، دولت های عضو خود را مکلف به مجازات کردن نقض های مقررات خود کرده است. زیر بند الف) بند ۱ ماده ۸ این کنوانسیون در این خصوص چنین مقرر می دارد: «کلیه دولت های طرف این کنوانسیون اقدامات لازم را برای اجرای مقررات این کنوانسیون و جلوگیری از تجارت گونه ها برخلاف مقررات آن معمول خواهند داشت و این اقدامات عبارت خواهند بود از قابل مجازات دانستن تجارت با مالکیت این گونه ها» (CITES Convention, 1973: Para a, Article 8).

کنوانسیون بازل^۲ در خصوص کنترل انتقالات فرامرزی مواد زائد زیانبار و دفع آنها ۱۹۸۰، تلاش این کنوانسیون بر آن است که تا حد ممکن از انتقال و دفع فرامرزی ضایعات و مواد زائد زیان بار علیه محیط زیست و بشر جلوگیری کند و با آثار ضد زیستی و بشری چنین خسارتی را بکاهد. در این زمینه بند ۵ ماده ۹ کنوانسیون، دولت های عضو را مکلف به مجازات اعمال غیر می کند. هر عضو کنوانسیون باید مقررات ملی

1. CITES Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, 1973
2. Basel Convention on the Control of Trans boundary Movements of Hazardous wastes and their Disposal. 22 March 1989, Downloaded from: <http://www.jus.uio.no/lm/hazardous.waste.ban.african.import.bamko.convention.1991/9.html>

مناسبی به منظور جلوگیری از انتقال غیرقانونی زباله با مجازات این اعمال وضع کند. اعضای کنوانسیون باید در جهت تحقق این ماده با یکدیگر همکاری کنند (Basel Convention, 1980: Article para.5).

کنوانسیون باماگو^۱ در خصوص کنترل انتقالات فرامرزی و مدیریت مواد زائد زیانبار در آفریقا مصوب ۱۹۹۱ بند ۲ ماده ۹ این کنوانسیون با عنوان نقل و انتقال غیرقانونی چنین مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو باید قوانین ملی مناسبی را برای اعمال مجازات کیفری علیه تمامی اشخاصی که چنین واردات غیرقانونی را برنامه‌ریزی، ارتکاب یا معاونت می‌کنند، وضع کند. این مجازات باید به اندازه کافی شدید باشند تا ارتکاب اعمال مذکور را مجازات کنند» (Bamako Convention, 1991: Article 9.Para.2).

کنوانسیون پاریس در خصوص جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از منابع مستقر در خشکی^۴ ژوئن ۱۹۷۴، که در مارس ۱۹۸۶ با الحاق پروتکلی اصلاح شده است، در بند ۱ ماده ۱۲ خود دولت‌های عضو را مکلف به تضمین رعایت مقررات خود از طریق اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و مجازات متخلفان می‌کند: ۱. تمامی دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که اعمال مقررات این کنوانسیون را تضمین کرده و کلیه تدابیر مقتضی را برای پیشگیری و مجازات رفتارهای مغایر مقررات این کنوانسیون اتخاذ کنند. دولت‌های عضو کمیسیون را از اقدامات اداری و قضائی اتخاذی برای اجرای مقررات بند مذکور مطلع خواهند کرد (convention for The prevention of Marine pollution from Land Based sources,) (Done at Paris.1986. June 4th.Article 12. Para.1

اکوساید (زیست‌بوم‌زدایی)^۲ در حال حاضر در ده کشور به عنوان جنایت زیست‌محیطی شناخته شده است، باید اشاره کرد که بسیاری از قوانین ذیل در جنایت اکوساید تحت عنوان قوانین جنایت علیه صلح، یعنی در کنار جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، حمایت جنگی و جنایت تجاوز تنظیم و ذکر شده است. این چهار جنایت، هسته جنایات بین‌المللی در اساسنامه رم است که در سال ۱۹۹۸ تحت عنوان جنایات بین‌المللی علیه صلح تدوین شده است. هنگامی که پیش‌نویس کد جرائم علیه صلح و امنیت بشری در چارچوب سازمان ملل در سراسر دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ بررسی شد، بسیاری از کشورها طرفدار اکوساید به عنوان پنجمین جنایت علیه صلح بودند. با این حال، پس از یازده سال از تهیه پیش‌نویس کد جرائم علیه صلح و امنیت بشری که اکوساید در آن گنجانده شده بود، علی‌رغم مخالفت بسیاری از کشورها در سال ۱۹۹۶ حذف شد (محمد علیخانی، ۱۳۹۶: ۲۱۰).

1. Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and the Control of Trans boundary Movement and Management of Hazardous wastes within Africa 1991, Downloaded from: <http://www.jus.uio.no/lm/hazardous.waste.ban.african.import.bamko.convention.1991/9.html>

2. Ecocide

شایان ذکر است از نخستین تلاش‌های جامعه بین‌المللی در این زمینه پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۷۶) است که برای نخستین بار اقدام علیه محیط‌زیست به‌عنوان نقض هنجارهای اساسی جامعه بین‌المللی و جنایت بین‌المللی را توصیف کرد. به موجب ماده ۱۹: ۱. آن دسته از اعمال دولت که به‌منزله نقض تعهدات بین‌المللی تلقی می‌شوند، صرف‌نظر از موضوع تعهد نقض شده، عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شوند؛ ۲. اگر رعایت یک تعهد بین‌المللی آن‌چنان برای حمایت از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی ضروری باشد که جامعه بین‌المللی در کلیت خود، نقض آن را به‌عنوان جنایت شناسایی کرده باشد، چنین نقضی جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود؛ ۳. طبق بند ۲ و بر اساس قواعد جاری حقوق بین‌الملل، جنایت بین‌المللی ممکن است از موارد ذیل ناشی شود: الف) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت اساسی دارد، مانند منع تجاوز؛ ب) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای صیانت از حق تعیین سرنوشت مردم (ملت‌ها) نقش اساسی دارد، مانند منع استقرار یا حفظ قهری سلطه استعماری؛ ج) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای حفاظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند منع آلودگی گسترده جو یا دریاها؛ د) نقض شدید و وسیع تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای صیانت از بشریت اهمیت اساسی دارد، مانند منع بردگی، کشتار جمعی و آپارتاید؛ ۳. هر عمل متخلفانه بین‌المللی که طبق بند ۲ جنایت بین‌المللی محسوب نشود، تخلف بین‌المللی است. چنانکه دیده می‌شود، زیر بند «ج» بند ۲ به‌صراحت «نقض شدید» آن دسته از تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها از سوی دولت‌ها برای «حفاظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد»، جنایت بین‌المللی تلقی شده است. تصویب این ماده و زیر بند «ج» بند ۲ آن در حقیقت توفیق بزرگی برای حقوق محیط‌زیست بود، که متأسفانه بنا به دلایلی از جمله عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کلیه نظام‌های حقوقی بزرگ جهان، عدم تأمین اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و عدم اجماع بین دولت‌ها در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سرانجام حذف شد. در این طرح دو شرط اساسی برای تحقق مسئولیت کیفری دولت برای جنایت زیست‌محیطی پیش‌بینی شده بود که در کنار شرط لازم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام مسئولیت کیفری دولت را تشکیل می‌دهند (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۳). به این ترتیب موضوع اقدام علیه محیط‌زیست هم‌ردیف رفتارهای ممنوعی همچون تجاوز سرزمینی، نسل‌زدایی، بردگی، جداسازی نژادی و ممنوعیت آلودگی گسترده و شدید علیه محیط‌زیست به‌عنوان قواعد آمره به‌شمار رفته است.

۲.۲. اقدام علیه محیط‌زیست تحت عنوان جنایات پیش‌بینی‌شده در اسناد منطقه‌ای

از اواخر سده اخیر تاکنون حساسیت‌های زیادی در مورد محیط‌زیست و سلامت در سراسر جهان ایجاد شده است که این حساسیت‌ها در قالب مقررات متعددی در اسناد بین‌المللی بازتاب یافته‌اند. مهم‌ترین این اسناد، اسنادی هستند که به اهمیت محیط‌زیست اشاره و اذعان کرده‌اند و اعضای این عهدنامه‌ها نیز تعهد به همکاری داده‌اند. در این خصوص می‌توان به کنوانسیون منطقه‌ای حمایت از محیط‌زیست از طریق قوانین جزایی ۱۹۹۸ اشاره کرد. این کنوانسیون باهدف بهبود حفاظت از محیط‌زیست در سطح اروپا با استفاده از راه‌حل، آخرین راه‌حل قانون کیفری به‌منظور جلوگیری از رفتارهایی که برای آن مضر است، تصویب شده است. همچنین به‌دنبال هماهنگی قوانین ملی در این زمینه است. این ابزار قانونی جدید، کشورهای متعهد را موظف می‌کند که مقررات خاص را در قوانین جزایی خود وارد کنند یا مفاد موجود را در این زمینه اصلاح کنند. تعدادی از اعمال مخاطره‌آمیز مرتکب در موارد جرم و جنایات تعیین می‌شود که موجب ایجاد خسارت ماندگار در کیفیت هوا، خاک، آب، حیوانات یا گیاهان می‌شود و یا به فوت یا صدمات جدی به هرکسی منجر می‌شود.^۲ همچنین این کنوانسیون مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در برابر محیط‌زیست را تعریف کرده و بر همکاری با دولت‌های اروپایی در این زمینه تأکید می‌کند. در اسناد منطقه‌ای دیگر نیز محیط‌زیست مورد اشاره قرار گرفته است، آنچنان که مشخص است به‌زعم بسیاری از اندیشمندان مطالعات امنیتی و زیست‌محیطی، شرایط امروزی موجود در آسیای میانه میراث نظام مارکسیستی شوروی سابق است که بر آن بود تا با رشد سریع اقتصادی و صنعتی، شرایط اقتصادی را بهبود بخشد؛ حال آنکه آنها در این بستر، منابع طبیعی و زیست‌محیطی را نادیده گرفتند. اخیراً توجه جامعه بین‌المللی به منابع انرژی ذخیره‌شده در دریای خزر و نقش این منطقه در ترانزیت مواد مخدر و تسلیحات نظامی جلب شده است. بر این اساس، آسیب‌پذیری سدها و دیگر زیرساخت‌های موجود در این منطقه موجب رشد فجایع زیست‌محیطی می‌شود و تلفات انسانی و طبیعی بسیاری را به وجود می‌آورد (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۵۲).

پاسخ‌های ارائه‌شده توسط آسه‌آن به مسئله محیط‌زیست و عوامل تخریب آن توسط انسان و اعمالی که از جانب آنها صورت می‌گیرد را می‌توان در دودسته سیاستگذاری‌های هنجاری در قالب اسناد و اقدام‌های ساختاری دسته‌بندی کرد که یکی از نخستین موافقت‌نامه‌های آسه‌آن در خصوص

1. Convention on the Protection of the Environment through Criminal Law

2. <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/172>

محیط زیست، «اعلامیه آسه آن در مورد پارک‌های ملی»^۱ بود که در نوامبر ۱۹۸۴ به امضای پنج عضو مؤسس آسه آن به علاوه برونتی دارالسلام رسید که البته این سند توسط اعلامیه مربوط به پارک‌های ملی که در سال ۲۰۰۳ به امضای اعضا رسید، نسخ شد و یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۵ هم موافقت‌نامه آسه آن در خصوص حفظ طبیعت و منابع طبیعی توسط شش کشور عضو آسه آن به امضا رسید (سازمند، ۱۳۹۷: ۸۶). اظهارات و اعلامیه‌های آسه آن در طول دهه ۱۹۹۰ در خصوص محیط زیست، بیشتر بر موضوع غبارهای فرامرزی ناشی از آتش‌سوزی در جنگل زغال کک استوایی اندونزی متمرکز بود. معضل غبار به موضوعی جدی در میان اعضای آسه آن تبدیل شد و تا سال‌ها محور مسائل زیست‌محیطی را به خود اختصاص داد تا اینکه مذاکرات در این زمینه در قالب «موافقت‌نامه آلودگی ناشی از غبار فرامرزی»^۲ در سال ۲۰۰۲ به نتیجه رسید.

در دهه اول سده بیست و یکم و به صورت مشخص در سال ۲۰۰۵ آسه آن به منظور پاسخ به دغدغه جامعه علمی در خصوص فروسایبی تنوع زیستی منطقه جنوب شرق آسیا توافق کرد که سرمایه‌گذاری ویژه‌ای را در این زمینه در قالب تأسیس «مرکز تنوع زیستی آسه آن»^۳ داشته باشد. در همان سال هم موافقت‌نامه آسه آن در خصوص «مدیریت سوانح و بلایا و انجام اقدام فوری»^۴ در این خصوص که پس از وقوع سونامی در منطقه تایلند، اندونزی، مالزی و میانمار را به شدت تحت تأثیر قرار داد، به امضا رسید. در واقع در سال ۲۰۰۷ بود که موضوع تغییر اقلیم به صورت ضمنی در سیاست‌های زیست‌محیطی آسه آن مورد توجه قرار گرفت؛ اعلامیه‌ها و اظهارات مختلفی در این سال ارائه شد؛ چه به صورت اختصاصی و چه به صورت موازی با سیزدهمین اجلاس آسه آن که در نوامبر ۲۰۰۷ در سنگاپور مطرح شد. «اعلامیه آسه آن در خصوص پایداری زیست‌محیطی»^۵ که در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷ در طول سیزدهمین نشست آسه آن به امضا رسید، نخستین فرصت را برای تغییر اقلیم فراهم کرد که به عنوان یک موضوع امنیتی اصلی و نوظهور زیست‌محیطی منطقه شناسایی شود. در این اعلامیه به سه نکته مهم توجه شد: حفظ محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و پاسخ مؤثر و جدی به مقوله تغییر اقلیم. البته با توجه به ماهیت

1. ASEAN Declaration on Heritage Parks and Reserves See <https://environment.asean.org/asean-declaration-on-heritage-parks-and-reserves/>
2. Contamination caused by trans boundary dust
3. ASEAN Biodiversity Center See <https://aseanbiodiversity.org/>
4. Disaster management and immediate action See <https://oxfordre.com/naturalhazardscience/view/10.1093/acrefore/9780199389407.001.0001/acrefore-9780199389407-e-12>
5. ASEAN Declaration on Environmental Sustainability. See https://asean.org/?static_post=asean-declaration-on-environmental-sustainability

عملیات آسه‌آن باید گفت که این سازمان به‌منظور شناسایی جرائم زیست‌محیطی مانور نداده است، چراکه اساساً اهداف این سازمان ماهیتی اقتصادی دارد و به مقوله کیفردهی یا پیشگیری کیفری در مورد جرائم نمی‌پردازد، اما با این حال بحث‌هایی از تخریب محیط‌زیست و جلوگیری از آن به میان آورده است که می‌توان از آنها به دیدگاه پیشگیرانه اقتصادی و انسانی یاد کرد. اصولاً در منطقه اقدامات کیفری مؤثری از جانب سازمان‌های منطقه‌ای صورت نمی‌گیرد، چراکه در کشورها در ضمن انعقاد معاهدات همکاری تنها به اصل موضوع اقتصادی و منافع خود فکر می‌کنند تا کیفردهی از طریق یک مرجع منطقه‌ای (کیس و شلتون، ۱۳۹۷: ۷۶). در منطقه هر کشوری تنها در خاک خود و طبق قوانین ملی به پیشگیری کیفری در مقابل جرائم زیست‌محیطی می‌پردازد و کنوانسیون‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای صرفاً چهره اقتصادی و سودمحور دارند. رژیم‌های منطقه‌ای به‌منظور اتصال و تقویت منافع مشترک مناطق مختلف جهان توسعه یافته‌اند. این سامانه‌ها برای کمک به ملت‌ها در تلاش برای اجرای قوانین محکم زیست‌محیطی طراحی شده‌اند. مؤسسات محلی شامل شورای اروپا، انجمن همکاریان منطقه‌ای آسیا در مبارزه با جرایم زیست‌محیطی، مرکز آموزش تهویه هوا، تبرید و لوله‌کشی و رژیم امنیتی محیطی منطقه دریای بالتیک در این زمینه گام‌های مؤثری برداشتند. ARPEC متشکل از کشورهای متعدد است که حفاظت از محیط‌زیست را به‌واسطه صادرات بی‌رویه انواع محصولات بدون در نظر گرفتن سایر عواقب آن محکوم کردند. برای مثال افزایش تجارت مواد غذایی و جانوران وحشی، زباله‌های خطرناک، مواد شیمیایی از بین‌برنده لایه ازن و سایر موارد موجب نگرانی و اقدامات بین‌المللی شده است. حمایت مداوم و وجود این بازارهای سیاه با تلاش‌های حفاظتی محیط‌زیست مواجه شده است. جرائم زیست‌محیطی به‌قدری در سطح منطقه‌ای به‌خصوص در کشورهای جهان سوم شدت یافته است که به همان روشی که مجرمان جرم محیط‌زیست را گزینه‌ای آسان می‌دانند، بنابراین افراد در سمت‌های شرکتی یا رسمی مقام و قدرت جرم محیطی را فرصتی برای پول نقد می‌دانند (Wortly & Mazerolle, 2011: 79). کنوانسیون‌های منعده در منطقه آسیای شرقی نیز از جمله اسنادی هستند که تا حد ممکن به‌قصد برقراری امنیت منطقه از نظر ژئوپلیتیک و حتی ایجاد امنیت زیست‌محیطی دریایی است، چراکه در سال‌های گذشته آلودگی‌های بسیاری در دریاها موجود در منطقه رخ داده است که موجب از بین رفتن گونه‌های زیستی مختلف به‌صورت وسیع و فوق‌العاده زیانبار بوده است. در همین زمینه می‌توان به کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر (تهران ۲۰۰۳) اشاره کرد که به‌منظور ارتقای امنیت زیست‌محیطی منطقه و بالا بردن سلامت محیط‌زیست دریایی منعقد شده است (مصطفوی و قوام، ۱۳۹۷: ۱۰). البته باید در نظر داشت که دفاع از حقوق محیط‌زیست در منطقه تنها از راه انعقاد معاهداتی

که روی کاغذ می‌آید میسر نمی‌شود، بلکه نیاز به طرح‌های عملیاتی مداوم از جانب کشورهای منعقدکننده کنوانسیون‌های منطقه‌ای دارد.

۳.۲. ظرفیت اساسنامه رم در جرم‌انگاری اقدامات علیه محیط زیست

اساسنامه رم به‌گونه‌ای طراحی شده است که تا حد ممکن نقدی به آن وارد نباشد و نیاز به اصلاح نیز نداشته باشد، اما این دلیلی بر عدم قابلیت اصلاح‌پذیری اساسنامه رم نیست و اعضا می‌توانند طبق صلاحدید در آن اصلاحاتی انجام دهند. با توجه به اینکه جرم‌انگاری جرائم وسیع زیست‌محیطی نیز به‌تازگی به مباحث کیفری بین‌المللی اضافه شده است، می‌توان امید داشت که در صورت اصلاح اساسنامه این‌گونه جرائم نیز در داخل جرائم مهم بین‌المللی ورود پیدا کند. در این مورد نیاز به توضیح وسیع‌تری هست که باید بگوییم در نظام‌های حقوقی داخلی، حقوق کیفری در حد زیادی انعطاف‌پذیر است. اعمال جنایی به‌سرعت رو به تحول و رشد است و از این‌رو قواعد ماهوی و نیز آیین دادرسی هم پیوسته برای سازگار شدن با این تغییرات نیازمند جرح و تعدیل هستند. قضاوت بین‌المللی در این زمینه با تحولات بیشتری همراه است و طراحان اساسنامه سعی کرده‌اند که در بسیاری از حوزه‌ها، صلاحدید قضایی را کاهش دهند یا حذف کنند. قضات در دادگاه‌های ویژه از درجه آزادی عمل بالایی در تفسیر جرائم، تعریف و اعمال دفاع‌ها و اصلاح آیین دادرسی و ادله برخوردار بودند؛ اما اساسنامه با بیان نسبتاً دقیق این مسائل امکان صلاحدید قضایی را منتفی کرده است. اساسنامه رم متضمن قواعد خیلی جزئی‌تری در زمینه انواع دفاع و سایر اصول کلی است و سپس با اندیشیدن سند عناصر جرائم و قواعد دادرسی و ادله راه را برای صلاحدید قضات محدودتر می‌کند. البته بدون تردید قضات باتجربه تا حد امکان از همه شیوه‌های قابل تصور برای برطرف کردن این محدودیت‌ها استفاده خواهند کرد، ولی به‌رحال این حقیقت همچنان باقی است که قضات با توجه به این محدودیت‌ها قدرت مانورشان را به‌طور کلان از دست می‌دهند. در نتیجه، هرگونه تغییر در حقوق قابل‌اعمال، مستلزم اصلاح اساسنامه توسط دول عضو است. تغییرات کم‌اهمیت‌تر می‌تواند در هرزمانی از طریق اصلاح سند عناصر جرائم و قواعد دادرسی و ادله توسط مجمع دول عضو به‌عمل آید. برای اصلاح اساسنامه، آیینی پیچیده و فوق‌العاده طاقت‌فرسا مقرر شده است. تا هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه اصلاحات ممنوع است. اگرچه هریک از دول عضو می‌توانند در هر زمان اصلاحاتی را پیشنهاد کنند، اما اساسنامه انجام اصلاحات را منوط به تشکیل اجلاس بازنگری کرده است. امروز، اجلاس بازنگری در معاهدات چندجانبه امری غیرمعتاد نیست. در مورد اساسنامه رم، هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه، امانتدار

اساسنامه که دبیر کل سازمان ملل متحد است، می‌بایست اجلاس بازنگری را به منظور هرگونه اصلاحاتی منعقد کند. ماده ۱۲۳ در خصوص اصلاحات به طور مشخص به تغییرات در فهرست جرائم مندرج در ماده ۵ اساسنامه اشاره می‌کند، اما اضافه می‌کند که قلمرو اجلاس بازنگری الزاماً محدود به این ماده نیست و می‌تواند سایر موضوعات را نیز در برگیرد. این جرائم عبارت‌اند از دادوستد داروهای روان‌گردان، تروریسم و برخی جرائم اقتصادی که اغلب این جرائم هم‌اکنون در معاهدات بین‌المللی موجود ممنوع شده‌اند (Schabas, 2017: 257). اساسنامه همچنین مقرر می‌کند که اجلاس بازنگری باید در خصوص ماده ۱۲۴ که به دول عضو اجازه رد صلاحیت دیوان نسبت به جنایات جنگی برای مدت هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه را می‌دهد، باقی بماند یا حذف شود اظهار نظر کند (ماده ۱۲۴). در هر زمانی در آینده، اکثریت دول عضو اساسنامه می‌توانند در مورد انعقاد اجلاس‌های بازنگری اضافی توافق کنند. علاوه بر اجلاس بازنگری، در هر زمانی اصلاحات می‌تواند پیشنهاد شود. متن یک اصلاحیه می‌بایست به موجب پیشنهادی به دبیر کل ملل متحد ارائه شود، دبیر کل سپس آن را به اطلاع همه دول عضو می‌رساند. مجمع آتی دول عضو می‌تواند رأساً اصلاحات را بررسی کند و یا تصمیم به انعقاد یک اجلاس بازنگری بگیرد. اصلاحات می‌بایست یا توسط مجمع دول عضو یا به اجماع اجلاس بازنگری پذیرفته شوند. تصویب هر اصلاحیه‌ای در جلسه مجمع دول عضو یا در اجلاس بازنگری در صورت عدم حصول اجماع به اکثریت دوسوم دول عضو نیاز دارد. اما اصلاحات پذیرفته شده توسط مجمع دول عضو یا توسط اجلاس بازنگری، خودبه‌خود لازم‌الاجرا نیستند. دول عضو اساسنامه می‌بایست اسناد را تصویب کنند یا پذیرش خود را هرکدام جداگانه نزد دبیر کل ملل متحد بشارند. به‌عنوان یک قاعده کلی، یک اصلاحیه تا پیش از تودیع قبول هفت‌هشتم اسناد توسط دولت‌ها، قابل اجرا نیست. هنگامی که اصلاحیه‌ای توسط هفت‌هشتم دول عضو قبول شد، هر دولتی که چنین اصلاحیه‌ای را نپذیرفته، می‌تواند ضمن صدور اعلامیه‌ای کناره‌گیری خود را از اساسنامه اظهار کند. اگر در معاهده جدید، در خصوص ماده ۵ جرائمی به صلاحیت دیوان اضافه شده باشد، در مورد دولتی که در خصوص اصلاحیه، اعلامیه قبولی صادر نکرده، دیوان نسبت به جنایتی که مشمول اصلاحیه است، چنانچه توسط اتباع آن دولت یا در قلمرو آن دولت ارتکاب یافته باشد، اعمال صلاحیت نخواهد کرد (Schabas, 2017: 257). در مورد اصلاحات مواد مربوط به تشکیلات دیوان نیازی به تصویب دول عضو نیست. این اصلاحات می‌بایست به اجماع و یا به موجب دوسوم آرای مجمع دول عضو یا اجلاس بازنگری پذیرفته شود و شش ماه بعد از تصویب برای تمامی دول عضو لازم‌الاجراست. اساسنامه مسائل مربوط به تشکیلات دیوان از جمله تعداد قضات، ترکیب شعبه‌ها، کارکنان دیوان و نظایر آن را به‌طور مشخص تعیین کرده است. نتیجه آنکه با وجود

اقدامات درخور اساسنامه رم، سیاست کیفری کنونی دیوان به شدت قابل انتقاد است. از این رو باید تدبیری مناسب جهت اصلاح اساسنامه رم و توسعه صلاحیت این دیوان اندیشیده شود تا محدودیت‌های کنونی در جهت جرم‌انگاری اقدامات علیه محیط زیست به مثابه جنایت مستقل بین‌المللی برطرف شود.

۳. دکترین شناسایی اقدام علیه محیط زیست به عنوان جنایت زیست محیطی

کشورهای مختلف، راهبردهای متفاوتی را در خصوص ضررهای زیست محیطی اتخاذ می‌کنند. برای مثال اصل پیشگیرانه در چارچوب قانونی اتحادیه اروپا آمده است، اما در آمریکا به رسمیت شناخته نشده است. علاوه بر این، به لحاظ مباحث بین‌المللی این مفهوم چالش برانگیز است و به قطعه‌ای از پازل شطرنج در مواد غذایی اصلاح شده تبدیل شده است. با در نظر گرفتن آفت‌کش‌های خطرناک در آمریکا، انگلستان و اتحادیه اروپا، می‌توان تفاوت در سیاستگذاری را مشاهده کرد. چگونگی رفتار دولت‌ها در خصوص مسائل زیست محیطی (فعل، ترک فعل) به کارزارهای فعال محیط زیست در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کمک می‌کند و به آنها انگیزه لازم را جهت اتخاذ راهبردها و فنون جدید می‌دهد. جرم‌انگاری زیست محیطی نه جدید و نه غیرمعمول است. این امر، کنش‌های جنبش‌های اجتماعی، فعالان این حوزه و گروه‌های جامعه را در برمی‌گیرد. شایان ذکر است که مردم هند که شرکت‌های چندملیتی و دولت را از طریق فعال باوری به چالش کشاندند، مجرم شناخته شده و دستگیر شدند، شرکت‌ها و دولت در این کشورها محیط زیست را تخریب می‌کردند. این داستان در مورد جوامع دیگر با فرهنگ‌های مختلف صادق است. جرائم مرتبط با محیط زیست آن چیزی است که تروریسم زیست محیطی نامیده می‌شود و رفتارهای مخرب فعالان زیست محیطی از جمله قطع درختان و خسارات بر وسایل را که در نظر آنان مشروع و در عمل جرم است، شامل می‌شود. این جرائم در نگاه این گونه فعالان در راستای حمایت از محیط زیست ارتکاب می‌یابند، اما به دلیل اینکه ضمن اعتراض خود ناخواسته به محیط زیست صدمه می‌زنند، بدون غرض ورزی مرتکب جرم شده‌اند. البته میان دو نوع فعالیت در این حوزه ارتباط وجود دارد (خسارت به محیط زیست و بزهکاری ناشی از جنبش‌های اعتراضی و در راستای حمایت از محیط زیست). این مسئله با مثالی ساده قابل تشریح است، فعالان زیست محیطی برخی اوقات برای اینکه از قطع درختان به وسیله شرکت‌های چوب‌بری پیشگیری کنند، در داخل تنه درختان قطعه‌های فلزی کار می‌گذارند تا ابزار چوب‌بری دچار مشکل شود و قطع درختان به تأخیر بیفتد، اما در اصل کار گذاشتن قطعه‌های فلزی در درخت از سوی فعالان زیست محیطی خود موجب آسیب به درختان می‌شود و در اصل خود نوعی عمل تخریب‌گرایانه است. البته ارتکاب هر جرمی پرسش‌هایی را در خصوص تعریف و چرایی پاسخ‌های اجتماعی مطلوب به همراه دارد (White, 2016: 270).

۱.۳. دکترین جرم‌شناسی سبز در راستای اقدام علیه محیط‌زیست: جنایت زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل

در این رویکرد، اصل ضرر مرکز توجه قرار می‌گیرد. به باور متخصصان این حوزه، آنچه در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌گیرد، نه تنها جرم‌انگاری آنهاست، بلکه هر رفتاری که موجب ایراد ضرر بر محیط‌زیست شود، جرم زیست‌محیطی خواهد بود. لینچ^۱ به‌عنوان آغازگر جنبش جرم‌شناسی سبز، چالش‌های زیست‌محیطی را به‌مثابه بحث اصلی جرم‌شناسی به رسمیت شناخت. پس از آن، بسیاری از جرم‌شناسان با تشکیل شبکه‌های بین‌المللی، تفکر انتقادی به چالش‌های زیست‌محیطی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دادند. از دریچه جرم‌شناسی سبز، بهترین جایگاه تحلیل ضرر زیست‌محیطی توجه به مبانی عدالت بر اساس شاخص‌هایی چون تفکرات بشری، حق حیوانات و محیط‌زیست و دغدغه‌های حقوق بشری است. مسئله کلیدی در این بستر، شناسایی انواع مختلف ضرر بر اساس عدالت جامع زیست‌محیطی و جرم‌انگاری برخی ضررهاست که در جرم‌شناسی جریان غالب به آنها توجه نشده است. از این رو در جرم‌شناسی سبز، سه رویکرد جامع در خصوص عدالت به رسمیت شناخته شده است. هر یک از این سه جنبش، بر اساس شاخص‌های خود، ضرر را تعریف می‌کنند:

عدالت و حقوق محیط‌زیست: حقوق محیط‌زیست به دنبال توسعه حقوق انسانی و اجتماعی است و به کیفیت زندگی بشری در حال حاضر و آینده توجه دارد. دیدگاه عدالت محیط‌زیست شهروندی بر این باور است که سعادت بشری تنها یک بخش از زیست‌بوم‌های پیچیده‌ای است که باید بر اساس حق بر محیط‌زیست سالم حفظ شود (Spapens et al., 2014: 8). عدالت و حقوق گونه‌های جانوری: بر اساس این رویکرد، ضرر زیست‌محیطی باید بر اساس جایگاه حیوانات در محیط‌زیست به همراه حق بر عدم آزار فردی و نهادی و ضررهای ناشی از رفتارهای بشری که تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست را در سطح جهانی متأثر می‌کنند، تحلیل شود. بر همین اساس، جرم زیست‌محیطی یا «جرم - بوم» به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست‌محیطی باشد. همان‌طور که در خصوص ماهیت جرم اختلاف است، متخصصان در مورد تعریف ضرر زیست‌محیطی و چگونگی جرم‌انگاری آن نیز نظرهای گوناگونی دارند. در دیدگاه جرم‌شناسان سبز استفاده از قوانین جزایی برای محدود کردن یا تنظیم فعالیت‌های مضر برای محیط‌زیست مسئله جدیدی نیست (Carrabine et al., 2009: 389). مرتکبان جرائم سبز می‌تواند شامل نهادهای دولتی و خصوصی باشد که درگیر دفع

غیرقانونی زباله، کلاهبرداری برای تحت پوشش قرار دادن سطح آلودگی تولیدشده یا در فساد برای جلوگیری از اعمال یا اجرای قانون در وهله اول، باشد (Ruggiero & South, 2010: 251)؛ ثانیاً، مشخص می‌شود که برای مجموعه بزرگی از جنایاتی که آسیب‌های زیست‌محیطی به آنها کمک می‌کند، کسانی که ممکن است به‌عنوان قربانیان محیط‌زیست به‌درستی ببینیم، درگیر جرائم دیگری می‌شوند. فعالیت‌های مضر زیست‌محیطی که به‌طور فزاینده تحت نظارت قانون جزا تحت کنترل قرار می‌گیرند (بنابراین به‌وضوح در محدوده جرم‌شناسی)، چنین فعالیت‌هایی (همراه با واکنش‌های مختلف اجتماعی به آنها) همچنین در کمک به گستره وسیعی از آسیب‌های اجتماعی نقش دارد که به‌نوبه خود با طیف وسیعی از جرائم مرتبط است (Spapens et al., 2014: 17).

۲.۳. شناسایی اقدامات ضد محیط‌زیست در دکتین: جرم‌انگاری جرائم محیط زیستی

به‌عنوان جنایت مستقل

انتظار می‌رود که جامعه بین‌المللی با پیروی از دکتین، اقدام به جرم‌انگاری تخلف علیه محیط‌زیست به‌مثابه جنایت مستقل بین‌المللی کند و به چرخه بی‌کیفرمانی جنایتکاران زیست‌محیطی بزرگ پایان دهد. در این باره می‌توان به «مسئولیت و پاسخگویی» اشاره کرد و این سؤال را مطرح کرد که در نهایت، چه کسی مسئول ضررهای محیط زیستی است؟ در فرضی که متهم شخص حقیقی باشد، تعقیب کیفری و احراز مجرمیت عامدانه یا توأم با تسامح، کار مشکلی نیست. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته (دانش ناری، ۱۳۹۲: ۸۵) در تعقیب جرائم محیط زیستی، شرکت‌های تجاری محدودی آماج مداخله‌های کیفری قرار می‌گیرند. دلیل این امر، سیاست‌ها و ظرفیت‌های آنها در دفاع از خود و شاخص‌های سازمانی آنهاست. برای مثال بر اساس شواهد فورتنی (رادمنش، ۱۳۹۴: ۹۳) در ایالات متحده، احراز رکن روانی در جنایات در شرکت‌های ساده و کوچک آسان‌تر است. این اثبات بدون توسل به مسئولیت مطلق رخ می‌دهد. شرکت‌های بزرگ که مرتکب بیشتر جرائم زیست‌محیطی می‌شوند، جز در شرایط استثنایی با تعقیب کیفری مواجه نمی‌شوند. دلیل این مسئله، دشواری احراز قصد مجرمانه یا رفتار توأم با تسامح در شرکت‌هاست. برای مثال در فرض مسئولیت کیفری شرکتی، اولین پرسش این است که در چه شرایطی شرکت‌ها مسئول رفتارهای کنش‌گران خود هستند؟ عده‌ای (وایت، ۱۳۹۵: ۱۴۱) بر این باورند که شرکت در حالتی مسئول رفتار کارکنان خود است که بر عملکرد آنها کنترل ذهنی داشته باشد؛ اما مشکل اینجاست که در بسیاری از موارد، آلودگی توسط کارکنان به‌وجود می‌آید و در برخی از این حالت ذهن کنترل‌گری هم وجود ندارد. بر اساس احکام دادگاه‌های انگلستان، رفتار کارکنان

در صورتی موجب مسئولیت کیفری شرکتی می‌شود که رویه‌های قانونی نقض شوند. یکی از پاسخ‌های موجود به منظور رفع این وضعیت، استناد به نظریه مسئولیت نیابتی است. به باور این ایده جهت کارایی نظام تقنینی لازم است تا در برخی شرایط، شرکت را مسئول تمامی رفتارهای کارکنان بدانیم. این نظریه با ایده ذهن کنترل‌گر متفاوت است (وایت، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

۴. رویکرد اخیر دیوان در اهمیت دادن به جنایت زیست‌محیطی

دیوان بین‌المللی کیفری در رویکردهای اخیر خویش توسط دفتر دادستانی که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، به پیشگیری و کاهش جرائم زیست‌محیطی از طریق تعقیب و مجازات کیفری اشاره کرده است. دادستانی به طور تمثیلی به چند گونه رفتار علیه محیط‌زیست اشاره کرده است. در این سند، دادستان از دو منظر به جرائم زیست‌محیطی توجه کرده است. کاهش مداوم کیفیت محیط‌زیست با قوانین این حوزه و نحوه اجرای آنها در ارتباط است. از این رو، در پیشگیری از جرائم این حوزه، آموزش، ارتقا و خودکنترلی مهم‌تر از قوانین بازدارنده و نظام تعقیب کیفری کاراست. اگرچه مداخله‌ها و ظرفیت‌های ضابطان قضایی نیازمند اقدام مناسب کنشگران این حوزه است، اما در فرض اقدام مؤثر آنان، ظرفیت‌های قضایی موجب پیشگیری از ارتکاب جرم نمی‌شوند، بلکه می‌توان گفت تغییر گرایش‌ها و نوع رفتارها در انسان است که می‌تواند به کنترل جرائم زیست‌محیطی کمک کند. کارایی نهادهای تقنینی و قضایی در حوزه جرائم زیست‌محیطی در شرایطی حاصل می‌شود که آنها نسبت به انجام تعهد بزرگ و پایش نظام‌مند و بادقت برنامه‌ها مشتاق باشند. به عنوان مثال، اجرای قانون حفاظت از محیط‌زیست و قانون جنگلداری در کانادا بر صنعت سم‌ناشی از الوار، صنعت خمیر کردن و تولید کاغذ و صنعت حفاظت چوب‌های سنگین اثر گذاشته است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته، اجرای قوانین با سخت‌گیری آنها و تغییرات دراماتیک‌گونه فعالیت‌های مضر ارتباط معنادار دارد. در این بستر، بازرسی مداوم و مستمر همراه با قدرت‌های عملیاتی (از جمله استفاده از ضمانت اجراهای جنایی) به تغییرات مثبت منجر شده است (وایت، ۱۳۹۵: ۲۷۰).

یکی از مسائل مهم آن است که چه ضمانت‌اجراهایی در مورد جرائم زیست‌محیطی مؤثرند، وجوه تشابه و تمایز آنها میان حوزه‌های صنعتی مختلف و انواع ضرر چیست و در چه شرایط و زمانی قابل اعمال‌اند؟ در همین بحث در خصوص گستره و تناسب ضمانت‌اجراها نیز می‌توان گفت نه تنها تغییرات و اصلاحات نظام تقنینی، راه‌های انتزاعی را جهت حل ضررهای زیست‌محیطی به وجود می‌آورد، بلکه رویه‌های افسران و دادگاه‌ها نیز نحوه اجرای قانون را نشان می‌دهد. گستره مجازات، رویکردها و سازوکارهای ضمانت‌اجراهای جرائم زیست‌محیطی در زیر بیان می‌شود. این موارد شامل پاسخ‌های

مدنی، اداری و کیفری است؛ نظام تعقیب کیفری به مثابه ابزار اصلی اجرای قانون، به معنای استفاده از ظرفیت‌های قانون کیفری و ضمانت اجراهای آن به صورت راهبردی و متناسب با ماهیت جرم از جمله استفاده از حبس کیفری و سازوکار جایگزین‌های حبس کیفری و خدمات عمومی رایگان از جمله مشارکت اجباری بزهکاران در پروژه‌های ارتقا و بهبود اوضاع محیط زیست و نظام جبران خسارت برای نقض جزئی قوانین زیست‌محیطی جهت رعایت تناسب جرم و کیفر مدنی و اعمال نظام مسئولیت سخت‌گیرانه مسئولیت‌پذیری داوطلبانه به دلیل مشکلات فنی و منابع در پیگرد شرکت‌های بزرگ، این حالت به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا رکن روانی را برای جرائم شرکتی احراز کنند و رویکردهای اجرایی طراحی شده که نوع سازمان را مشخص می‌کند؛ بدین معنا که به نسبت جرم ارتكابی جرمه را بهترین ضمانت اجرا در نظر می‌گیرد.

۱.۴. برخورد کیفری دیوان با جنایات زیست‌محیطی به عنوان جنایات مستقل

دادستان دیوان مکلف است پیش از شروع به تحقیق (بر اساس بند «ج» ماده ۱۲ و ماده ۱۵) تمامی دولت‌های عضو و دولت‌هایی را که معمولاً بر جنایات‌های مورد نظر اعلام صلاحیت می‌کنند، از تصمیم خود آگاه سازد. مبنای منطقی این تکلیف، همان تکمیلی بودن صلاحیت دیوان است (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). با توجه به اینکه بیشتر جنایات زیست‌محیطی به دلیل جنگ‌های داخلی کشورها و همچنین در داخل مرزهای یک کشور رخ می‌دهد، باید گفت که دیوان برای رسیدگی به جنایات زیست‌محیطی که در داخل کشورهای عضو اتفاق می‌افتد، نیازی به اذن ندارد و صلاحیت دیوان بر این امر ثابت شده است. «از لحاظ منطقی باید پذیرفت در صورت وجود یک سیستم دادرسی عادلانه و توان و تمایل دولت ملی، اقتضای حاکمیت ملی وجود صلاحیت محاکم ملی است. چنانچه دولت ملی نتواند از عهده ایجاد و اعاده نظم عمومی و تضمین و اجرای عدالت در خصوص جنایات ذاتی بین‌المللی برآید، مرجع کیفری بین‌المللی اعمال صلاحیت می‌کند» (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). واضح است که استحکام رابطه آسیب‌های محیطی و جرم بسته به موضوعات خاص زیست‌محیطی متفاوت است، پیوندها در مناطقی برجسته‌ترند که پیوند بین آسیب‌های زیست‌محیطی و اجتماعی نزدیک‌ترین است. این اغلب به دلایل مختلف به معنای توسعه به جای کشورهای جهان توسعه‌یافته و فقیر بودن به جای جوامع ثروتمند است (Kluin et al., 2014: 17). دیوان کیفری بین‌المللی در واکنش‌های خود نسبت به جنایات زیست‌محیطی رویکرد خود را در سال‌های اخیر نشان داده است و ضمن ابراز حساسیت دیوان نسبت به این‌گونه جنایات عنوان داشته است که در صورت تخریب وسیع محیط‌زیست، مرتکبان جنایت علیه محیط‌زیست را تحت تعقیب

قرار دهد و برای خاطیان زیست‌محیطی مجازات تعیین کند.^۱ برای اینکه اداره دادستانی بتواند از عهده چنین امر بسیار مهمی برآید، به‌موجب آیین‌نامه داخلی دادسرا، مصوب ۳ ژوئن ۲۰۰۳، سه شاخه در صحن این اداره ایجاد شده است؛ شاخه تعیین صلاحیت (دیوان)، شاخه تحقیق و تفحص و شاخه احراز اتهام و صدور کیفرخواست تا از طریق همکاری‌های صمیمانه بین این شاخه‌ها امر مهم انجام تحقیقات مقدماتی و احراز اتهام و صدور کیفرخواست راجع به موضوعات در حوزه صلاحیت دیوان به‌نحو مطلوب و مؤثری صورت پذیرد.^۲ (Kaul, 2005: 14). همان‌طور که جنایات مهم بین‌المللی بازتاب خاصی در اساسنامه دیوان دارند، جنایات زیست‌محیطی نیز می‌توانند با توجه به رویکرد اخیر دفتر دیوان و با در نظر گرفتن امکان اصلاح اساسنامه در بین جنایات مهم بین‌المللی ماده ۵ اساسنامه قرار گیرند، این امر از این‌رو حائز اهمیت است که زندگی بشری و به‌خصوص زندگی افراد و جاندارانی که به محیط‌زیست وابسته‌اند در حالت تخریب وسیع، به خطر می‌افتد؛ به‌طور کلی توجه دفتر دادستانی دیوان به رفتار مخاطره‌آمیز علیه محیط‌زیست افزایش یافته است.

۵. نتیجه

انجام اقداماتی توسط جامعه انسانی در راستای تغییر شرایط اقتصادی و رفاه قشر عظیم جامعه که در عمل می‌تواند به نابودی اقلیت از جامعه منجر شود، به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست، درحالی‌که قصد در این عمل پیشرفت و توسعه باشد؛ بنابراین درحالی‌که آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از توسعه می‌تواند به نابودی طیف خاصی به‌علت تخریب محیط تأمین معیشت آنها منجر شود، این چنین رفتاری موجب شده است از عمل تخریب محیط‌زیست به‌عنوان جنایتی مستقل یاد شود. همچنین جهان به سمتی حرکت می‌کند که با حمایت از محیط‌زیست جنایات علیه آن را محکوم می‌کند و برای اشخاصی که به هر شیوه‌ای آسیبی به محیط‌زیست وارد می‌آورند، مجازات در نظر می‌گیرد که البته این موضوع در برخی اعلامیه‌های جهانی، عهدنامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز نمود پیدا کرده است. بی‌گمان چنین عملی بیانگر شناسایی جرائم زیست‌محیطی به‌عنوان جنایتی مستقل علیه محیط‌زیست است. چنانکه در حال حاضر گفته می‌شود دیوان کیفری بین‌المللی اولویت کاری خویش را به جرائم مربوط به تخریب محیط‌زیست اختصاص داده است. با

1. Office of the prosecutor, Policy paper on case selection and prioritization, para40, (see here in https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/2016_0915_OTP-Policy_Case-Selection_Eng.pdf [<https://perma.cc/UY3NC62R>].)

2. See: Kaul, Hans peter, Construction site for more Justice: The International criminal court after two years. In; A.J. I.L; April 2005 Vol, 99, No 2, P.P. 370-384/ P.372-373; ice: Understanding the ICC- Sudan, without date/P.14.

توجه به عملکرد مراجع کیفری بین‌المللی در راستای جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی و تعیین مجازاتی در این مورد باید گفت که نظریه‌شناسایی جنایات‌های زیست‌محیطی به‌عنوان جنایتی مستقل در جهان کنونی شکل گرفته و بر اساس تفکری که اکنون در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز شکل گرفته است، می‌توان گفت به نابدی کشاندن زمین و محیط‌زیست جنایتی آشکار است. با توجه به مباحثی که مطرح شد باید در نتیجه به‌دست‌آمده بیان کرد که سلامت محیط‌زیست با نشست‌های بین‌المللی که محصول نگرانی‌های انسان از آینده محیط‌زیست در جهان بود و معاهدات زیست‌محیطی که در قرن بیستم میان اعضای بین‌المللی بسته شد، مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن معیارهایی برای سنجش تخریب محیط‌زیست و میزان خسارات وارده تعیین شد. توجه جدی جامعه بین‌الملل به محیط‌زیست زمانی شکل گرفت که بعد از جنگ جهانی دوم صدمات جبران‌ناپذیری در اثر استفاده سلاح‌های اتمی و شیمیایی بر پیکر محیط‌زیست وارد شده بود. زمان زیادی گذشت تا جامعه بین‌المللی هرگونه آسیب زدن به محیط‌زیست را به‌مثابه یک جنایت قلمداد کند. البته تلقی این جنایت نیز بنا بر عهدنامه‌هایی بود که به ارزیابی خسارات بر محیط‌زیست تأکید داشتند. درواقع جامعه بین‌الملل هر شخصی را که موجب آلودگی زیست‌محیطی شود و صدمات جبران‌ناپذیری را بر محیط‌زیست بگذارد، مسئول می‌داند و خواهان جبران خسارت از سمت اوست. این بحث را می‌توان مطرح کرد که درست همان‌گونه که حقوق بین‌الملل با دسته‌بندی کردن تجاوز جنسی حین درگیری‌های مسلحانه به‌عنوان یک جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و حتی در شرایط خاصی به‌عنوان نسل‌کشی گامی بزرگ به‌پیش برداشته است؛ باید به این تشخیص برسیم که تخریب عامدانه محیط‌زیست نیز می‌تواند و باید یک جرم بین‌المللی محسوب شود. رژیم‌های سفت‌وسخت مسئولیت‌بایستی با سازوکارهای عدالت کیفری بین‌المللی درآمیخته شوند. باید قویاً مدافع این نظر بود که «جنایت علیه محیط‌زیست» بایستی به‌عنوان یک جرم مهم بین‌المللی مجزا در نظر گرفته شود تا گام مهمی رو به جلو برای حفاظت بهتر از گرامی‌ترین دارایی ما برای نسل آینده باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی. تهران: جنگل.
۲. رادمنش، محمد (۱۳۹۴). جنایت علیه محیط‌زیست. تهران: ایرانیکا.
۳. زارع مهدوی، قادر و دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵). امنیت بین‌المللی و جرائم زیست‌محیطی. تهران: میزان.

۴. شبت، ویلیام (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری. سید باقر میرعباسی و الهوئی نظری، تهران: جنگل.
۵. کیس، الکساندر و شلتون، دینا (۱۳۹۷). راهنمای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. محمدسعید شفیعی، تهران: جنگل.
۶. کیان ارثی، نیما (۱۳۸۸). حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه با نگاه ویژه به کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی از تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۷. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۶). حقوق بین‌المللی کیفری. چ سوم، تهران: شهر دانش.
۸. وایت، راب (۱۳۹۵). جرائم زیست‌محیطی فراملی (به‌سوی جرم‌شناسی جهان‌بوم). حمیدرضا دانش ناری، تهران: میزان.

(ب) مقالات

۹. حبیبی، محمدحسن (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر ماهیت و اصول قوانین محیط‌زیست بین‌المللی. مجله محیط‌شناسی، ۱۹، ۹۹-۱۰۶.
۱۰. دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۲). رویکردی انتقادی به جرائم زیست‌محیطی فرامرزی. فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۵(۴)، ۸۳-۱۰۷.
۱۱. رجبی، اسماعیل (۱۳۹۴). نقش دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۵(۲)، ۲۹۵-۳۱۲.
۱۲. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). از ممنوعیت تا جرم‌انگاری خسارات وارده به محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل. مجله تحقیقات حقوقی، ضمیمه شماره ۵۶، ۵۳۳-۵۶۰.
۱۳. سازمند، بهاره (۱۳۹۷). تغییر اقلیم و امنیت زیست‌محیطی جنوب شرق آسیا؛ واکاوی فعالیت‌های آسه آن. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۲، ۷۳-۹۸.
۱۴. عبداللهی، محسن (۱۳۸۶). حمایت کیفری از محیط‌زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی. مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی، ۱، ۹۷-۱۱۷.
۱۵. عبداللهی، محسن (۱۳۸۲). جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل. مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی، ۱(۱)، ۱-۲۰.
۱۶. عرب اسدی، شیما و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۷). نگرانی‌های مشترک بشری. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۴۸(۲)، ۳۹۹-۴۱۸.
۱۷. کوشا، سهیلا؛ طهمورثی، اسماعیل و سوهانیان، فاطمه (۱۳۹۸). رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در گزینش پرونده‌های ارجاعی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹(۲)، ۳۵۱-۳۶۷.
۱۸. محمد علیخانی، ندا و محمد علیخانی، مرتضی (۱۳۹۶). تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط‌زیست. فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۸(۳۰)، ۱۹۳-۲۱۹.

۱۹. مصطفوی، سیده معصومه و قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۷). تحول پارادایمی در مفهوم امنیت زیست محیطی. مجله پژوهش ملل، ۳(۳۴)، ۷-۲۸.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Becker, H. (1963). *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*. New York: Free Press.
2. Carrabine, E.; Cox, P., Lee, M., Plummer, K., & South, N. (2009). *Criminology: A Sociological Introduction*. Oxford: Routledge.
3. Ciford, M., & Terry, E. (2012). *Environmental crime*. Burlington, Jones & Bartlett Learning.
4. David, D. (2010). *Air Conditioning, Refrigeration, and Pipefitting*. Education Center ESQ, BP Oil Spill Law suits and Legal Issues, Purdue University.
5. Sands, P. (2003). *Principles of international environmental law*. Cambridge University Press, second edition.
6. Spapens, T., White, R., & Kluin, M. (2014). *Environmental Crime and its Victims Perspectives within Green Criminology*. published by Ashgate publishing limited.
7. Wortley, R., & Mazerolly, L. (2011). *Environmental Criminology and crime analysis*. Routledge publish, New York.

B) Articles

8. Carl, B. (2001). All's Not Fair in (Civil) War: Criminal Liability for Environmental Damage in Internal Armed Conflict. *Vermont Law Review*, 25, 695-752.
9. Debbie Banks; Charlotte Davies, Justin Gosling, Julian Newman, Mary Rice, Jago Wadley, Fionnuala Walravens (2008). "Environmental crime a threat to our future", *environmental investigation agency (EIA)*, London, pp.1-28.
10. Durney, J. (2018). Crafting standard: environmental crimes as crimes Against humanity under the international criminal court. *hasting environmental law journal*, 24(2), 413-430.
11. Kaul, H. p. (2005). Construction site for more justice the International criminal court after two years In A.J. I.L. *the American journal of international law*, 99(2), 370-384/372-373.
12. Qudah, H. (2014). Towards International Criminalization of Transboundary Environmental Crimes. *Pace University School of Law*, available at http://digitalcommons.pace.edu/law_dissertations/16/, 29-73.
13. Ruggiero, V., & South, N. (2010). Green Criminology and Dirty Collar Crime. *Critical Criminology*, 18(4), 251-262.
14. Rauxloh, Regina (2011). "The role of international criminal law in environmental protection", *Natural resource investment and Africa's development*, University of Southampton, pp. 423-460.

C) Sites

15. Convention on the Protection of the Environment through Criminal Law at
16. <http://www.nolo.com/legalencyclopedia/bp-oil-spill-lawsuits-legal-33442.html>
(mentioning the legal ramifications of the BP Oil Spill; explicitly omitting any criminal sanctions).
17. <http://www.qombar.ir/article/1991>
18. https://asean.org/?static_post=asean-declaration-on-environmental-sustainability
19. <https://aseanbiodiversity.org/>
20. <https://environment.asean.org/asean-declaration-on-heritage-parks-and-reserves/>
21. <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/172>
22. <https://www.researchgate.net/publication/287564114>
23. <https://www.unenvironment.org/news-and-stories/press-release/unep-marks-international-day-preventing-exploitation-environment-war>

